

سیر رشد ایمانی براساس برداشت‌های علامه مصباح یزدی از ادعیه مؤثوره*

محمدجواد زارعان / دانشیار گروه علوم تربیتی جامعه المصطفی العالمیه

mjzarean@gmail.com

 orcid.org/0000-0003-1005-3731

دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۵ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۳۱

چکیده

توجه به ادعیه مؤثوره واصله از سوی امامان طاهرين علیهم‌السلام و بهره‌مندی از آن در ابعاد مختلف، سیره علمی و عملی علمای بزرگوار شیعه در طول تاریخ تشیع بوده است. شارحان ادعیه از بین عالمان سلف، هریک براساس مشی علمی و ذوق خاص خویش به بُعدی از ابعاد ادعیه توجه کرده‌اند که شروع در دسترس نشانگر این تفاوت در رویکردهاست. توجه تربیت‌محور علامه مصباح یزدی به دعا، یکی از این شیوه‌هاست. حضرت استاد بیشتر در چند کتاب، از جمله کتاب‌های بدرود بهار، دعای مکارم الاخلاق، صهبای حضور، شکوه نجا، سجاده‌های سلوک، بر درگاه دوست، و ره‌توشه، به شرح مجموعه‌ای از دعا‌های واصله از سوی ائمه معصومین علیهم‌السلام عمدتاً با این نگاه پرداخته و نظامی از مسائل تربیتی را به‌نوعی بیان داشته‌اند. تلاش برای ترسیم سیری عملی و مرحله‌ای از تربیت اسلامی براساس شرح استاد بر ادعیه و بیان روش استاد در این امر، موضوعی است که این پژوهش دنبال می‌کند. پژوهش حاضر براساس ماهیت تحلیل محتوای آن، روش استنتاجی را در پیش گرفته است؛ به این معنا که مفاد به‌دست‌آمده، استنتاجی از شروع استاد بر ادعیه موردنظر می‌باشد و بالطبع، استناد محتوای ارائه‌شده به حضرت استاد، صرفاً براساس برداشت نویسنده از آن منابع است. براساس این تحقیق، سیر تربیت ایمانی و ارتباط انسان با خدای متعال از شناخت خدا و خود شروع می‌شود؛ در گذر روابط عاطفی و گرایشی رشد می‌کند و در بستر ابعدی از رفتار نتیجه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: تربیت ایمانی، دعا، علامه مصباح یزدی.

یکی از منابع پر مقدار اسلامی، معارف والایی است که در لباس دعا و به هنگامهٔ مناجات امامان طاهریین علیهم‌السلام با حضرت حق - جل و علا - بر زبان این بزرگواران جاری شده و کام تشنهٔ نسل‌های بعد را از طریق راویان و دوستان و علاقه‌مندان آن حضرات سیراب کرده است. سالکان طریق حق، عرفا و اندیشمندان و مشتاقان معارف اسلامی در سایهٔ معارف قرآنی، به این منبع سرشار نیز دست یازیده و از این سرچشمهٔ زلال به قدر توان رفع تشنگی کرده و خود و مخاطبان خویش را منتعم ساخته‌اند.

نوع نگاه بزرگان دین به ادعیهٔ مأثوره و نحوهٔ برداشت ایشان از این منبع دینی، به تناسب استعداد، علاقه و درک متفاوت ایشان از این منبع فیض است. گاه نگاهی صرفاً عرفانی ارائه شده است، گاه عقلانی و گاه برداشت‌هایی در حد مواضع و نصایح اخلاقی، که البته هریک در جای خود ارزشمند است.

استاد فرهیخته و عارف عامل، علامه *استاد مصباح یزدی*، نیز در طول عمر بابرکت خویش از این فیض سرشار الهی محروم نمانده و با درکی ظریف از این منبع منبع و بیشتر در قالب دروس اخلاق خویش، که به تدریج در لباس کتاب‌هایی ارزشمند درآمده‌اند، دریچه‌هایی نورافزا را به روی محبان اهل بیت علیهم‌السلام گشوده‌اند.

روش خوشه‌چینی حضرت استاد از دعا‌های جاری بر لسان مبارک ائمهٔ طاهریین علیهم‌السلام را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: الف) روش‌های کلی، که به بررسی برداشت‌های کلان ایشان از نوع تعامل با دعا اختصاص دارد؛ ب) روش‌های ویژهٔ تربیتی، که برداشت‌های تربیتی استاد از دعاها را حکایت می‌کند. براساس بخش دوم این تقسیم‌بندی، مقاله حاضر در صدد است ترسیمی از مراحل تربیت ایمانی براساس برداشت‌های *استاد علامه مصباح یزدی* از ادعیهٔ مأثوره را ارائه دهد.

۱. تعریف تربیت ایمانی

پیش از ورود به بحث، لازم است تعریفی از اصطلاح «تربیت ایمانی» که در عنوان مقاله آمده است، ارائه دهیم. در برخی نوشته‌های دیگر نیز ذکر کرده‌ایم که تربیت دینی را می‌توان در سه قالب متفاوت و در سه اصطلاح مختلف به کار برد:

تربیت دینی گاه به معنای آموزه‌های تربیتی شکل گرفته براساس منابع دینی به معنای عام آن، شامل هر دینی است. در این معنا، هر تربیتی که برگرفته از منبع دینی (هر دینی) باشد، «تربیت دینی» نامیده می‌شود. اصطلاح (Religious Education) در بیشتر مطالعات مغرب‌زمین به همین معناست. بر طبق این معنا، تربیت برگرفته از منابع مسیحیت، یهود، اسلام و هر دین دیگر، «تربیت دینی» خوانده می‌شود.

معنای دیگر تربیت دینی، ویژهٔ آموزه‌های تربیتی برگرفته از منابع اسلامی است. تربیت دینی به این معنا، مترادف «تربیت اسلامی» است و نسبت به اصطلاح قبلی اخص است. این اصطلاح، البته در نسبت با ساحت‌های مختلف تربیتی عمومیت دارد و همهٔ ساحت‌های تربیت انسان، همچون ساحت اخلاقی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد.

در معنای سومی که از تربیت دینی می‌توان در نظر گرفت، تربیت دینی صرفاً به معنای تربیت آن بُعدی از ابعاد انسان است که متوجه ارتباط انسان با خدای متعالی و ایمان انسان به اوست. توضیح اینکه ساحت‌های تربیتی براساس ملاک‌هایی قابل تقسیم‌بندی است که یکی از آن ملاک‌ها، نوع ارتباط انسان با خلق، خالق، مخلوقات و خود است، که هر یک از اینها مقتضی بخشی از ساحت‌های تربیتی است؛ گرچه در مواردی نیز همپوشانی و تداخل دارد؛ مثلاً می‌توان چنین گفت که ارتباط انسان با اجتماع انسانی (خَلق)، مقتضی تربیت اجتماعی، تربیت اخلاقی یا تربیت عاطفی است؛ ارتباط انسان با طبیعت (خلقت)، مقتضی تربیت زیستی، تربیت اخلاقی و در مواردی تربیت جسمانی است؛ چنان که ارتباط انسان با خود، مقتضی تربیت در ابعاد روحی یا جسمانی است.

در این قالب می‌توان ارتباط انسان با خدای متعال را به‌طور مستقل در نظر گرفت؛ بدین معنا که یکی از انواع ارتباطات انسان، ارتباط انسان با خدا در قالب مقوله‌هایی همچون عبادت، نیایش، مناجات و دعا و در یک کلام «ایمان» است. براساس این تعریف، تربیت دینی به معنای سوم را «تربیت ایمانی» می‌نامیم تا وجه تمایز آن روشن تر باشد. تلاش مری برای تربیت متری خود در جهت پرورش و رشد این ارتباط ایمانی را می‌توان معنای دیگری از تربیت دینی و در عرض تربیت در سایر ساحت‌ها در نظر گرفت. تربیت دینی یا ایمانی در این معنا، اخص از تربیت دینی به معنای تربیت اسلامی است؛ بدین معنا که تربیت اسلامی شامل همه ساحت‌های تربیتی، از جمله همین ساحت تربیت ایمانی می‌شود.

روشن است که این معنای سوم هرگز به معنای قطع ارتباط انسان با خدا در سایر ساحت‌ها و به اصطلاح سکولاریزه کردن سایر ساحت‌های تربیتی نیست. این تقسیم‌بندی ذهنی و اصطلاحی صرفاً برای توجه دادن بیشتر به نوع ارتباط انسان با خدا و زمینه‌سازی برای دقت بیشتر در این ساحت تربیتی و ایجاد فرصت برای توضیح و ارائه راهکارهای رشد و تربیت انسان در ارتباط وی با خدای متعالی است.

لازم به ذکر است که در زمان حیات پربرتک حضرت استاد و به مناسبت برگزاری نشست علمی، مطلب بالا حضوراً خدمت ایشان مطرح و از محضر ایشان در شکل مصاحبه‌ای کسب فیض شد که علاقه‌مندان می‌توانند برای اطلاع بیشتر به آن مصاحبه مراجعه کنند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۲۵-۶۶). با این حال می‌توان به روشنی دریافت که بیشتر آنچه حضرت استاد در مجموعه تفسیری قویم و حجیم در شرح ادعیه و مناجات ارائه کرده‌اند، اساساً در تبیین و تفسیر همین بُعد ارتباط انسان با خدای متعالی و رشد بندگی و عبودیت است.

۲. نگاه تربیتی علامه مصباح یزدی به دعا

افزون بر اینکه براساس اصول مکتب اهل بیت علیهم‌السلام و روش دستیابی به منبع وحی، قرآن شریف و سنت و سیره معصومان علیهم‌السلام دو منبع اصیل قطعی برای این منظور معرفی شده‌اند و ادعیه و مناجات جاریه بر لسان مبارک معصومان علیهم‌السلام بخش مهمی از سنت به‌شمار می‌آید و همه عالمان مذهب بر این اصل وافق دارند، امکان و ضرورت استفاده تربیتی از منبع ادعیه مأثوره در نگاه علامه مصباح یزدی را به‌آسانی می‌توان از روش عملی ایشان در پرداختن به مباحث مربوط به آن دریافت؛ چنان که این امر، سیره عملیه بسیاری از بزرگان از علمای سلف بوده است.

اهتمام حضرت استاد به تمرکز بر شرح ادعیه و مناجات در سلسله دروس اخلاقی، اصرار ایشان بر معرفی ادعیه به‌عنوان راهنمای نظری و عملی در مسیر سیر و سلوک، تلاش در ارائه تحلیل‌های دقیق از معارف مطرح در ادعیه و توجه دادن به مصادیق عملی در این مسیر، جملگی حکایت از این نگاه تربیتی دارد.

بر درگاه دوست، عنوان کتابی از علامه مصباح یزدی است که شرح گزیده‌هایی از دعاهای افتتاح، ابوحمزہ و مکارم‌الاخلاق است. حضرت استاد در پیش‌درآمدی بر این شرح و ذیل عنوان «بحث‌هایی دربارهٔ دعا»، بحث دربارهٔ «اثرات تربیتی دعا» را مطرح می‌کند و با طرح این سؤال که «از نظر تربیتی، دعا چه نقشی دارد؟» و اینکه «آیا اساساً دعا در زندگی انسان نقشی دارد؟» به این موضوع مهم می‌پردازند. افزون بر اینکه اختصاص بایی به این عنوان، خود حکایتی از اهمیت موضوع نزد ایشان دارد، تحلیل ایشان نیز قابل توجه است. *استاد مصباح یزدی* با رد اینکه دعا به‌معنای بر زبان آوردن مطالبی خوب، صرف تلقین به نفس باشد، تصریح می‌کند که حتی اگر در برخی دعاها اثر تلقینی به‌عنوان یک اثر جنبی وجود داشته باشد، «بزرگ‌ترین اثر دعا همان حقیقت عبادتی است که در آن نهفته است» (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۳۸).

۳. گام‌به‌گام با دعا در مسیر تربیت ایمانی

رشد ایمانی و به‌تعبیری کمال انسان را می‌توان به رشد شناختی انسان در معرفت به ذات باری‌تعالی و جایگاه غنای مطلق حضرت حق - جل و علا - و نیز معرفت به وابستگی و ضعف و فقر خود و وابستگی مطلق به خدای متعال تعریف کرد.

کمال انسان در این است که فقر خود را نسبت به خدا درک نماید و به این حقیقت اعتراف کند. تا انسان به این واقعیت اعتراف نکند و فقر خود را به‌درستی نشناسد، به کمال انسانی نائل نمی‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۳۹). تربیت ایمانی نیز به همین امر اختصاص دارد. تربیت ایمانی بدین معناست که انسان خود در پرداختن به خویشتن (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۵۹-۶۰) یا از طریق مربی، به ضعف و فقر خود توجه یابد؛ بدان اعتراف کند و در برابر خداوند عبودیت و بندگی نماید؛ و دعا یکی از راه‌ها و ابزارهای مؤثر در پیمودن این راه خطیر است.

یکی از چیزهایی که موجب می‌شود انسان به این معرفت نزدیک گردد یا معرفت او کامل شود، دعاست. دعا خود عبادت است و تنها راه تکامل انسان نیز عبادت می‌باشد. بنابراین، دعا یکی از راه‌های تکامل انسان است (همان). فایده و اثر اصلی دعا همان تکامل معنوی انسان در اثر بندگی و اعتراف به ذلت در مقابل خداوند است (همان، ص ۴۰).

روشن است که پیمودن راه تربیت ایمانی، همچون طی مسیر در هر ساحت تربیتی دیگر، نیازمند شناخت مراحل و گام‌ها، و ورود و گذار تدریجی از هریک از این مراحل است. علامه مصباح یزدی در خلال مباحث شرح و تفسیر ادعیه، و براساس برداشت‌های قرآنی، عقلی، روان‌شناختی و تربیتی، مطالب ظریفی را متذکر شده‌اند که به‌اعتقاد راقم این سطور و در یک جمع‌بندی می‌توان آنها را به‌عنوان «مراحل تربیت ایمانی» برگرفته از ادعیه برشمرد و در شکل یک بستهٔ واحد شناختی - گرایشی - رفتاری ارائه داد.

مراحل تربیت ایمانی براساس این مطالعه شامل ده مرحله است که در «بعد شناختی» از معرفت خداوند آغاز می‌شود؛ در «بعد گرایشی» از مرحله خودبینی و غرور می‌گذرد و تا «بعد رفتاری» به تخلیق به اخلاق الهی، که همان مقصد نهایی تربیت ایمانی است، ادامه می‌یابد. در این میان، مراحل معرفت کامل خداوند شامل صفات و ویژگی‌های خدای متعال از یک سو و معرفت به خویشتن و ضعف و فقر ذاتی خود از سوی دیگر مدنظر قرار می‌گیرد. از رهگذر این شناخت دقیق، زمینه لازم برای اعتراف عبد در درگاه الهی به قصور و تقصیر خود فراهم می‌گردد و موجب می‌شود بنده فقیر و وابسته، غرور و منیت خود را زیر پا گذارد و بندگی و عبودیت خدا را اظهار کند و با توسل به درگاه الهی و محبوبان این درگاه و از طرق مختلف ابرام و اصرار همراه با ناز و دلالت، درصدد جلب توجه خداوند برآید و درخواست و نیاز خود به درگاه الهی را در مراتب مختلف آن عرضه بدارد و به تدریج به اخلاق الهی نزدیک شود.

در نگاه سه‌بعدی به روان انسان، که در دیدگاه علامه مصباح یزدی از آن با عنوان «هرم سه‌بعدی» یاد شده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۳۲-۳۸)، هرچند با توجه به بساطت نفس، تفکیک بین ابعاد - به‌ویژه در خارج - ممکن نیست، اما در نگاهی نظری و مطالعاتی می‌توان از مجموع ده مرحله زیر، سه مرحله اول تا سوم را در زمره بعد شناختی قلمداد کرد؛ مراحل چهارم تا ششم را در بعد گرایشی و مراحل هفتم تا دهم را در بعد رفتاری طبقه‌بندی نمود. نتیجه نهایی در شخصیت عبد با تخلیق به اخلاق الهی متجلی می‌شود.

لازم به یادآوری است که نام‌گذاری این گام‌های شناختی، گرایشی و کنشی به مراحل، لزوماً به معنای ترتب زمانی و وقوعی آن نیست؛ چنان‌که لزوماً با مراحل سنی انسان نیز ارتباطی ندارد. به‌دیگرسخن، مراتب و مراحل ذکرشده، در مقام فهم مطلب قابل تفکیک و ترتب آنها بر یکدیگر قابل توضیح است؛ اما چه‌بسا در وقوع خارجی، تقدم و تأخر یا هم‌زمانی بین آنها ایجاد شود.

۴. مراحل تربیت ایمانی

براساس آنچه گفته شد و با برداشتی که از مجموع بیانات علامه مصباح یزدی در شروح ادعیه و مناجات برگرفته‌ایم، مراحل تربیت ایمانی را می‌توان در ده مرحله زیر توضیح داد.

مرحله ۱. شناخت خدا

شناخت خدا را باید رکن اصلی و نقطه آغازین هر بعدی از تربیت، از جمله تربیت ایمانی، به‌شمار آورد؛ چراکه «شناخت خدا» موضوع و متعلق اصلی «ایمان» بوده و ایمان بالاصالة با شناخت خدای متعال گره خورده است. شناخت خدا از یک منظر هدف‌گایی است و از منظری آغاز راه است. مناجات با پروردگار، خواندن خدا و دعا به محضر الهی راهی برای این شناخت است؛ چنان‌که محتوای ادعیه صادره از ائمه معصومان علیهم‌السلام به این معرفت اشاره دارد. به بیان علامه مصباح یزدی، مهم‌ترین دلیل نیایش و دعا، شناخت پروردگار است. این معرفت، ریشه همه سعادت‌ها و موجب تمام اصلاحات است (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۴۰). برخی از دعاها یک دوره درس خداشناسی

و توحید در سطحی بسیار عالی هستند. دعا‌هایی نظیر دعای عرفه امام حسین علیه السلام، دعای صباح، دعای ابوحمزه و بسیاری از دعا‌های دیگر که به‌ویژه در **صحیفه سجادیه** آمده، از این قبیل‌اند (همان، ص ۴۱).

مرحله ۲. شناخت ویژگی‌های الهی

از جمله راه‌های ممکن و چه‌بسا تنها راه ممکن برای شناخت خدای متعال، شناخت ویژگی‌ها و به‌تعبیر دقیق‌تر، شناخت صفات الهی است. این مرحله به‌واقع بعدی از مرحله اول و مکمل آن است. یکی از نکات مشهود در ادعیه مأثوره، توجه دادن به ویژگی‌های ذات باری تعالی و نسبت آن ویژگی‌ها با انسان است. از این راه، انسان به هنگام دعا و خواندن خداوند، با صفات الهی آشنا تر می‌شود و از این رهگذر، معرفت خود به خداوند را ارتقا می‌بخشد.

علامه مصباح یزدی در موارد متعددی به این نکته مهم توجه می‌دهد؛ از جمله در شرح این فراز از مناجات شعبانیه: «وَتَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَ تَخْبُرُ حَاجَتِي وَ تَعْرِفُ ضَمِيرِي وَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ أَمْرٌ مُقَلَّبِي وَ مَشْوَايَ وَ مَا أُرِيدُ أَنْ أُبْدِيَ بِهِ مِنْ مَنْطِقِي وَ أَتَقَوُّهُ بِهِ مِنْ طَلَبِي وَ أَرْجُوهُ لِعَاقِبَتِي وَ قَدْ جَرَّتْ مَقَادِيرُكَ عَلَيَّ يَا سَيِّدِي فِيمَا يَكُونُ مِنِّي إِلَى آخِرِ عُمْرِي مِنْ سَرِيرَتِي وَ غَلَائِبَتِي»، دو ویژگی «علم الهی به حال و موقعیت انسان» و «مدیریت و ربوبیت تکوینی الهی از آغاز تا انجام انسان در همه امور پنهان و آشکار» را از میان موضوعات مطرح‌شده در این دعا مورد تأکید قرار می‌دهد (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۳۹-۳۳).

یک دسته از صفات الهی و ویژگی‌های خداوند، صفاتی است که به نعمت‌های الهی برای بندگانش اشاره دارد. توجه به نعمت‌های خداوند که در فرازهایی از ادعیه آمده و یادآوری آنها، یکی از راه‌های شناخت خداوند و تحصیل محبت به خدای متعال است.

علامه مصباح یزدی بر این تأکید دارند که «لازم است برنامه‌ای برای خود ترتیب دهیم که در شبانه‌روز لحظاتی را به تفکر در نعمت‌های الهی و یادآوری آنها و خطاپوشی‌هایش اختصاص دهیم. نعمت‌های خدا را به‌یاد بیاوریم و بر آنها خدا را ستایش کنیم» (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۳). ایشان سپس در شرح این فراز از دعای شریف ابوحمزه که از زبان امام سجاده علیه السلام عرضه می‌دارد: «سَيِّدِي أَنَا الصَّغِيرُ الَّذِي رَبَّيْتَهُ وَ أَنَا الْجَاهِلُ الَّذِي عَلَّمْتَهُ، وَ أَنَا الصَّالُّ الَّذِي هَدَيْتَهُ وَ أَنَا الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتَهُ، وَ أَنَا الْخَائِفُ الَّذِي أَمَّنْتَهُ وَ الْجَائِعُ الَّذِي أَشْبَعْتَهُ وَ الْعَطْشَانُ الَّذِي أَرَوَيْتَهُ، وَ الْعَارِي الَّذِي كَسَوْتَهُ وَ الْفَقِيرُ الَّذِي أَغْنَيْتَهُ وَ الضَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتَهُ وَ الدَّلِيلُ الَّذِي أَعَزَّزْتَهُ وَ السَّقِيمُ الَّذِي شَفَيْتَهُ...»، بیان می‌کند: توجه به این نعمت‌ها، علاوه بر اینکه موجب ازدیاد محبت انسان به منعم می‌شود، امید را نیز در دل انسان زنده می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۵).

مرحله ۳. شناخت ضعف خود

همگام با معرفت خداوند و شناخت صفات باری تعالی و احاطه علم و قدرت او بر انسان و همه هستی، وجه دیگر دعا توجه دادن به ضعف‌های انسان و فقر و وابستگی او به خدای متعالی است. انسان در حال مناجات با خدای قادر،

عالم و محیط به احوال او، به ناتوانی خویش در محضر الهی اعتراف کرده، از رهگذر اظهار عجز و فقر و وابستگی، عزت و کمال معنوی را درخواست می‌کند.

نیایشگر با ایستادن در پیشگاه خدا و توجه کردن به کبریا و عظمت او و در نظر گرفتن کوچکی و حقارت خود، فقر و نیاز سراپای وجود خویش را در مقابل خداوند اظهار می‌کند و بدین‌وسیله خود را از هر مخلوقی بی‌نیاز دیده، تنها به او نیازمند می‌بیند (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۴۲).

یکی از مصادیق جدی ضعف انسان، پدیده مرگ است؛ امری که به‌هیچ‌وجه در اختیار انسان نیست؛ نه اصل آن و نه زمان و مکان تحقق آن. از همین‌روست که در فرازهایی از دعاهای مختلف به یاد مرگ و رجوع به دنیای دیگر و مواجهه با یک عمر اعمال خود در محضر الهی اشاره و در روایات به‌طور مکرر بر آنها تأکید شده است.

بی‌تردید هر موجود زنده‌ای عاقبت خواهد مرد و پایان دنیا جز مرگ نخواهد بود؛ ولی آنچه افزون بر این واقعیت مدنظر اولیای دین علیهم‌السلام می‌باشد، همانا به‌یاد آوردن دائم این واقعیت خظیر است، که اثرات تربیتی و اخلاقی فراوانی بر رفتار و افکار آدمی دارد؛ یعنی بعد از آگاهی از این واقعیت، بر هر شخص مسلمانی لازم است که همیشه یاد مرگ را در خاطر خود زنده نگه دارد و تنها دانستن و باور داشتن مرگ کفایت نمی‌کند. درواقع عمق باور و متهلای تأثیر آگاهی از مرگ و معاد در این نهفته است که یاد آن همیشه در اذهان زنده باشد و لحظه‌ای فراموش نشود (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۰۹-۳۱۰).

فراز زیر از دعای ابوحمره را باید اوج به‌تصویر کشاندن حالت انسان و عبد خالصی دانست که از شدت خوف مرگ به تضرع در درگاه الهی می‌ایستد؛ آنجا که امام سیدالسادین زین‌العابدین علیه‌السلام عرض می‌کند: «فَمَنْ يَكُونُ أَسْوَأَ حَالًا مِنِّي إِنْ أَنَا نَقَلْتُ عَلَى مِثْلِ حَالِي إِلَى قَبْرِ لِمَ أُمَهَّدَهُ لِرِقِّ ذَنبِي وَلَمْ أَفْرُشْهُ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ لِضَجْعَتِي وَمَالِي لَا أَبْكِي وَلَا أَذْرِي إِلَى مَا يَكُونُ مَصِيرِي وَآرَى نَفْسِي تُخَادِعُنِي وَإِيَامِي تُخَاتِلُنِي وَقَدْ خَفَقْتُ عِنْدَ رَأْسِي أُجْبِحَةَ الْمَوْتِ فَمَالِي لَا أَبْكِي أَبْكِي لِخُرُوجِ نَفْسِي، أَبْكِي لِظُلْمَةِ قَبْرِي، أَبْكِي لِضَيْقِ لِحْدِي ... وَارْحَمْنِي لِضَعْفِي سِيدِي عَلَيْكَ مُعْتَمِدِي وَمَوْعَلِي وَرَجَائِي ... وَارْحَمْنِي صَرِيحاً عَلَى الْفُرَاشِ تُقَلِّبُنِي أَيْدِي أَحِبَّتِي وَ تَفَضَّلَ عَلَيَّ مَمْدُوداً عَلَى الْمُعْتَسِلِ يَقَلِّبُنِي صَالِحُ جِيرَتِي وَ تَحَنَّنَ عَلَيَّ مَحْمُولاً قَدْ تَنَاوَلَ الْأَقْرَبَاءَ أَطْرَافَ جِنَازَتِي وَجَدَ عَلَيَّ مَقُولاً قَدْ نَزَلَتْ بِكَ وَحِيداً فِي حُفْرَتِي وَارْحَمْ فِي ذَلِكَ الْيَسْتِ الْجَدِيدِ غُرْبَتِي حَتَّى لَا أَسْتَأْنِسَ بِغَيْرِكَ» (فرازی از دعای ابوحمره ثمالی. رک: مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۶-۲۵۰).

در معارف اسلامی و از جمله در آموزه‌های برگرفته از ادعیه، این نکته مورد توجه است که فهم و درک ضعف و قصور و تقصیر انسان در برابر خدای متعال و اظهار عجز و ناتوانی و اقرار به کوتاهی و گناه، هرگز نباید به یأس و نومیدی از بخشش الهی بینجامد که آن خود گناهی بس بزرگ و نابخشودنی است. علامه مصباح یزدی در بیان این فراز از دعای شریف افتتاح: «وَأَيُّنْتَ أَنْكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَ الرَّحْمَةِ وَ أَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ النَّكَالِ وَ النَّقْمَةِ وَ أَعْظَمُ الْمُتَجَبَّرِينَ فِي مَوْضِعِ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْعِظْمَةِ» می‌گوید: انسان باید همواره بین خوف و رجا باشد و چنین بیندیشد که ممکن است با اینکه عبادت‌های بسیاری انجام داده، در اثر یک لغزش به بزرگ‌ترین

مکرهای الهی دچار شود و با عاقبت بد از دنیا برود یا با اینکه بسیار گنهکار و پست است، خدا او را از این حالت نجات دهد و از حسن عاقبت برخوردار شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۵ و ۱۹۶-۱۹۷).

مرحله ۴. غرورزدایی

پس از مراحل سه‌گانه در بعد شناختی، به‌ویژه شناخت ضعف خود در برابر عظمت الهی، اینک انسان باید منیت و غرور خود را زیر پا بگذارد. غرور دو روی مختلف دارد: یک روی آن خودبزرگ‌بینی است و روی دیگر آن نادیده گرفتن دیگران و کوچک شمردن ایشان. مغرور خود را برتر می‌بیند و طبعاً دیگران را ناچیز می‌پندارد و سر از استکبار درمی‌آورد. از بین بردن غرور نیز طبعاً باید در هر دو بعد مورد توجه قرار گیرد؛ هم باید طرف مقابل را بزرگ ببیند و هم خود را در مقابل او ناچیز بنماید. از همین رو ادعیه مأثوره آورده از سوی ائمه هدی (علیهم‌السلام) هر دو جهت را در خود دارند: از یک سو بر ضعف و ناچیزی انسان تأکید می‌کنند و از سوی دیگر به ستایش و توجه به عظمت خدای متعالی می‌پردازند. علامه مصباح یزدی در تفسیر فراز ابتدایی دعای شریف افتتاح، با طرح این پرسش که دعا را چگونه شروع کنیم، چنین بیان می‌کند: «برترین سخنی که می‌توان دعا را بدان شروع کرد، ستایش خدا و حمد و ثنای اوست» (همان، ص ۱۰۲). ستایش مستلزم درک عظمت خداوند و پا گذاشتن بر منیت خویش است. از سوی دیگر، چنان‌که در آیه شریفه آمده، در آداب دعا به تضرع توصیه شده است. علامه مصباح یزدی در تبیین اینکه تضرع به درگاه الهی چه سودی دارد، می‌فرماید: ساختار روحی بشر به‌گونه‌ای است که اگر به درگاه خدا تضرع نداشته باشد، به آفات مبتلا می‌شود. تضرع، انسان را از انانیت و سرکشی بازمی‌دارد و موضع او را در برابر خدای متعال برای خود انسان بهتر روشن می‌کند؛ چون تضرع از باختن شخصیت حاصل می‌شود. وقتی انسان گریه و زاری می‌کند که خود را بیازد و به‌نوعی احساس شکست کند؛ لذا این حالت برای عبادت و اظهار عبودیت در پیشگاه الهی بهترین حالت است (همان، ص ۶۰).

در دعاهای عرفه و ابوحزمه فرازهای بسیار قابل توجه و تکان‌دهنده‌ای از این مقابله و مقایسه وضعیت عبد در مقابل معبود متعال را می‌بینیم؛ آنگاه که در وصف خداوند می‌خوانیم: «أَنْتَ الْاَلْدَى مَنَّتْ أَنْتَ الْاَلْدَى اَنْعَمْتَ أَنْتَ الْاَلْدَى اَحْسَنْتْ أَنْتَ الْاَلْدَى اَجْمَلْتْ أَنْتَ الْاَلْدَى اَفْضَلْتْ أَنْتَ الْاَلْدَى اَكْمَلْتْ أَنْتَ الْاَلْدَى رَزَقْتْ أَنْتَ الْاَلْدَى وَفَّقْتْ أَنْتَ الْاَلْدَى اَعْطَيْتْ أَنْتَ الْاَلْدَى اَغْنَيْتْ أَنْتَ الْاَلْدَى اَقْبَيْتْ...» و در توصیف وضع خویش می‌گوییم: «أَنَا الْاَلْدَى اَسَأْتُ اَنَا الْاَلْدَى اَخْطَأْتُ اَنَا الْاَلْدَى هَمَمْتُ اَنَا الْاَلْدَى جَهَلْتُ اَنَا الْاَلْدَى غَفَلْتُ اَنَا الْاَلْدَى سَهَوْتُ...». نکته ظریفی که علامه مصباح یزدی در اینجا بدان اشاره می‌کند، این است که عبادت، دعا و توسل به درگاه الهی، هر چند در آغاز، راهی برای از بین بردن غرور و منیت‌اند، اما با اندک انحرافی می‌توانند زمینه‌های غرور را فراهم کنند؛ چنان‌که در مورد ابلیس چنین امری پدید آمد و بر اثر استکبار، از اطاعت امر الهی سرپیچی کرد و از درگاه الهی رانده شد. در اینجا حضرت استاد به این نکته چنین اشاره می‌کند: بسیاری که در مقام تهذیب نفس برمی‌آیند، پس از آنکه آلودگی‌هایی را از خود دور می‌کنند و مراحل از کمال را می‌پیمایند، وقتی خود را با دیگران مقایسه می‌کنند، خود را بالاتر از آنها می‌بینند و به غرور مبتلا می‌شوند؛ که این خود یکی از آلودگی‌های انسان است (همان، ص ۸۰).

نکته قابل توجه اینکه، حضرت استاد باز تأسی به معصومان علیهم‌السلام را با خواندن دعاهایی که از انبیا و ائمه هدی علیهم‌السلام نقل شده است، راه درمان این آلودگی می‌داند و می‌فرماید: تأسی به بزرگان فواید فراوانی دارد. بهترین فایده آن، که با این بحث مربوط می‌شود، این است که انسان به غرور مبتلا نمی‌شود و حس می‌کند که انسان‌هایی برتر و پیشروتر از او هستند و او دنباله‌رو آنهاست... وقتی انسان این مطلب را در نظر داشته باشد که قافله بندگان خدا و سالکان الی الله، قافله‌سالاری دارد که بر همه مقدم است و همه تابع او هستند، نسبت به او خاضع خواهد شد. این توجه مانع غرور انسان می‌شود (همان).

مرحله ۵. اعتراف به گناه

از بین رفتن غرور، زمینه را برای اقرار به گناه در محضر ربوبی فراهم می‌کند. تا غرور باقی است، اقرار به گناه ممکن نیست؛ که چه بسا با وجود منیت و خودبزرگ‌بینی، اصلاً احساس گناه و تقصیر صورت نگیرد. انسان از روی خودخواهی و خودپرستی حاضر نمی‌شود به اشتباه خود، حتی در خلوت، اقرار کند و اگر کسی تربیت‌نیافته باشد، غرور و استکبار به او اجازه نمی‌دهد که به اشتباه و گناه اعتراف کند؛ بلکه همواره آن را توجیه می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۵۵).

پس اعتراف به گناه پس از غرورزدایی، مرحله دیگری برای رشد انسان در سیر تربیت ایمانی است. زمانی که انسان زبان به اعتراف به گناه در برابر ذات احدیت می‌گشاید، هم عجز خود را نشان می‌دهد و هم از ره امید به بخشیده شدن، لذت عفو الهی را می‌چشد. اینکه خدا دوست دارد بنده به گناهاش اعتراف کند، به این دلیل است که بنده به ذلت و خواری و گناهان خود آگاهی یابد و عفو خدا را بیشتر احساس کند. در واقع انسان با اعتراف به خردی و حقارت و خطای خود، لذت عفو الهی را می‌چشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۸)؛ چنان که در لسان معارفی رابطه عبد و معبود، اعتراف به گناه حکایتی است از اجازه و فرصتی که خدای متعال به بنده خود عطا کرده است.

اعتراف به گناه و اشتباه در محضر خداوند، آخرین وسیله‌ای است که انسان می‌تواند برای تقرب به خدا از آن استفاده کند و معلوم می‌شود که هنوز مورد غضب و سخط الهی واقع نشده است؛ وگرنه مجال چنین اعتراف و اقراری نمی‌یافت. اگر توفیق یافتن راه تقرب به سوی خداوند را از راه عمل صالح پیدا نکردیم، راه دیگری انتخاب کنیم و آن اقرار و اعتراف به گناه در پیشگاه الهی است (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۵۶).

البته در پی بحث درباره مرحله اعتراف به گناه، باید به این نکته توجه دهیم: «کسی که در پیشگاه خداوند استکبار ورزد و خودبزرگ‌بین باشد، هرگز به فضیلت توبه نائل نخواهد گشت». «مقام توبه نصیب کسانی می‌گردد که در پیشگاه خداوند خاضع و خاشع‌اند» (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۱۲). انسان معترف به گناه و پشیمان از عملکرد خود، در صدد توبه و بازگشت به خدای خویش برمی‌آید.

مرحله ۶. توبه

اقرار به ضعف، پا گذاشتن بر انانیت و نهایتاً اعتراف به گناه را می‌توان مقدمات پیشی و گرایش بر مرحله توبه به‌شمار آورد؛ چه آنکه توبه پشیمانی از گناه و تصمیم به عدم تکرار آن است و این پشیمانی مبتنی بر پیش‌زمینه آن،

یعنی پلید دانستن گناه است. علامه مصباح یزدی باب مسوطی را به توبه به‌عنوان یکی از مراحل رشد ایمانی در سایه ادعیه و مناجات اختصاص داده‌اند (همان، ص ۹۷-۶۳).

مردگی دل دردی ناعلاج نیست و راه بازگشت به حیات دل و نجات از دل‌مردگی، یاد خدای توبه و بازگشت به سوی خداست که از این رهگذر، باب رحمت الهی به روی انسان گشوده می‌شود و با حیات مجدد دل، انوار، برکات و افاضات معنوی بر دل انسان سرازیر می‌گردد (همان، ص ۱۱۰).

توبه از نظر استاد مصباح یزدی بر دو پایه اصلی استوار است. پایه اول، معرفت به خداوند و گستره نعمت‌های او و وظایف بندگی از یک سو و آگاهی از فرجام زبان‌بار گناه، و شرم و حیایی است که در پی آن می‌آید. پایه دوم، امیدواری به بخشش و رحمت بی‌نهایت خداوند است. طبعاً چه سطح معرفت به خدا و پشیمانی از رفتار خویش بالاتر رود، توبه قوی‌تر و راسخ‌تر خواهد بود و آثار وضعی و تشریحی گناه را بیشتر زایل خواهد کرد و بر همین اساس است که در روایات به مراتب و مراحل مختلف توبه اشاره شده است (همان، ص ۹۹-۱۰۳).

مرحله ۷. اظهار بندگی و عبودیت

با عبور همراه با پشیمانی از خود و عملکرد خویش، در پیچه بندگی به روی انسان باز می‌شود. عبد توبه‌کار اینک آمادگی دارد که عبودیت خویش را در محضر الهی بر زبان آورد. اظهار بندگی عبد ضعیف، فقیر، ناتوان و وابسته در محضر قادر متعال عالم خبیر، و وجهه‌ای از همان شناخت عظمت الهی و ضعف خویشستن و گذار از مراحل شناخت گناه و پشیمانی از آن است. بنده ناتوان فقیر معترف به قصور و تقصیر خود، در برابر عظمت و علو مقام الهی چه راهی جز تسلیم و اظهار بندگی دارد.

به تعبیر علامه مصباح یزدی، «جوهره دعا، عبادت است. شخصی که دستش را پیش خداوند منان دراز می‌کند، چه در ظاهر دست خود را بلند کند و یا در دل به خدا توجه پیدا کند و در خانه گدایی نماید، عبادت کرده است؛ چراکه این اعمال، همانا اعتراف عملی به عبودیت خود و ربوبیت الهی است و روح عبادت هم چیزی جز این معنا نیست» (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۸۱-۲۸۲).

ارزش و والایی دعا نیز در همین است که هم مشتمل بر ذکر و هم مشتمل بر اظهار بندگی است. این روایت را که فرموده‌اند: «الِدَّعَاءُ مَخُّ الْعِبَادَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۳، باب ۱۶، روایت ۳۷)، دعا مغز عبادت است، می‌توان بر همین اساس تحلیل و تفسیر کرد؛ زیرا «عبادت» اظهار بندگی در پیشگاه خداوند و اقرار به فقر و عجز و ناداری خویش در برابر آن مالک حقیقی و غنی بالذات است و اشاره کردیم که روح دعا نیز همین است (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۴۴). خضوع و استکانت در پیشگاه ربوبی، به‌ظاهر اظهار خواری و ذلت است، اما باطن آن عزت و کرامت انسان است. آنچه انسان را به تعالی و عزت می‌رساند، خضوع، تواضع و فروسختگی در پیشگاه خداوند است (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۱۱).

اینک این بنده بریده از خود و بار یافته به معبود راهی شایسته‌تر از توسل به درگاه محبوب ندارد.

اینک این بنده بریده از خود و بار یافته به معبود، راهی شایسته‌تر از توسل به درگاه محبوب ندارد. توسل را می‌توان وجهه رجا در دوگانه خوف و رجا به‌شمار آورد. حضرت استاد ذیل فرازی از دعای عرفه، که به‌فرموده ایشان از غرر ادعیه و جزء پنج دعای برتر شمرده می‌شود، در تفسیر حال حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام که عرضه می‌دارد: «هَذَا أَنَا أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ وَ كَيْفَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمَا هُوَ مَحَالٌ أَنْ يُصِلَ إِلَيْكَ»، بیان می‌کند:

آنچه ما از خود داریم، فقر و ناداری است و اساساً فقر، ویژگی ذاتی همه مخلوقات است و آنها عین فقر هستند. خداوند نیز فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْخَمِيدُ» (فاطر: ۱۵)... و این فقر نمی‌تواند وسیله ما به سوی خدا باشد؛ چون وسیله و واسطه باید عرضه‌شدنی در پیشگاه خداوند باشد و به اصطلاح به او برسد که به پاس آن، خداوند رحمتش را نازل کند و عذابش را از ما بردارد؛ اما این فقر هیچ‌گاه از ما جدا نمی‌شود و محال است که به خداوند برسد؛ چون او غنی مطلق است و ساختش مبرا از فقر و نیاز است (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۴۲-۱۴۳).

مرتبه دیگر از توسل، توسل به حضرات معصومان علیهم السلام است؛ بزرگوارانی که «همه خلائق ریزه‌خوار آن حضرات هستند و به فیض وجود ایشان هستی و بقا یافته‌اند» (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۴۷).

با توجه به اینکه هم دعا و هم یاد اولیای خدا و توسل به ایشان از مصادیق ذکر ضمنی هستند، روشن می‌شود که ارزشمندترین دعاها آن دسته از ادعیه‌اند که مشتمل بر توسل به اولیای خدا و وسایط فیض و رحمت الهی باشند (همان، ص ۴۵).

حضرت استاد ضمن برشمردن اهمیت دعا در حق دیگران به‌عنوان دعایی مستجاب و راهی میان‌بر و سریع برای رسیدن به مقصد، (در همین رابطه ر. ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۴۵-۴۶). در خصوص اهمیت دعا در حق معصومان علیهم السلام به‌ویژه در حق حضرت ولی عصر امام زمان علیه السلام می‌فرماید:

وقتی خداوند می‌خواهد رحمتی را نازل کند، ابتدا آن رحمت را بر قلب مقدس حضرت ولی عصر علیه السلام نازل می‌کند و آنگاه از آنجا آن رحمت بر دیگران جاری می‌گردد. توجه خداوند در درجه اول به وجود مقدس آن حضرت است. دیگران این لیاقت را ندارند که در کنار آن حضرت مورد توجه خداوند قرار گیرند و در طول و امتداد توجه به آن حضرت، به آنان نیز توجهی خواهد شد. به‌واقع توجه به دیگران، رشح‌های از عنایت و توجه خداوند به حضرت بقیة‌الله‌الاعظم علیه السلام است.... وقتی ارزش دعا در حق دیگران صد هزار برابر دعا در حق خویش است، ارزش دعا در حق آن حضرت به عدد و رقم در نمی‌آید (همان، ص ۴۶-۴۷).

توسل عاشق نیازمند به درگاه الهی فقط از طریق جلب توجه محبوب ممکن است؛ چه با ملاحظه مقام بلند معشوق و چه در مواردی نزدیک‌تر شدن و ناز کردن.

علامه مصباح یزدی زبان استرحام و طلب رحمت الهی را یکی از مراحل ارتباط با خدا به‌هنگامه مناجات عبد با معبود می‌دانند و بر این تفسیرند که پس از توجه به مقام خداوند و ضرورت بندگی او و ترس از فرجام گناهان و

خسارت‌هایی که از ناحیه خطاها متوجه انسان می‌شود و در نتیجه امیدواری به فضل و رحمت خداوند، حالت توبه در انسان پدید می‌آید. در این حالت، انسان باید با زبان استرحام با خداوند سخن بگوید.

استاد مصباح یزدی برای استرحام تا کسب آمادگی دریافت رحمت الهی، مراحل پنج‌گانه‌ای را مطرح می‌کنند که در ساختار این پژوهش از آنها می‌توان به ابعاد زبان استرحام یاد کرد. این مراحل عبارت‌اند از: ۱. اظهار حالت بیچارگی و درماندگی؛ ۲. اعتراف به قدرت و توانایی مطلق خداوند؛ ۳. اظهار اطمینان از بخشش خطاها؛ ۴. توجه دادن به اینکه خطای گذشتگان نیز بخشیده شده است؛ ۵. اظهار به اینکه خداوند خودش عبد را به درگاه خود برای بخشش فراخوانده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۱۳-۱۱۸).

در ادعیه مأثوره و در لسان ائمه هدی علیهم‌السلام، جلب توجه خداوند متعال با دو وجهه عرض حال و تشرف به محضر او دیده می‌شود. وجهه غالب، بیان از روی ادب و بیانی منطوق مدار است که بنده، گناهکاری و قصور و تقصیر خویش را به‌گردن می‌گیرد و از خدای رحمان درخواست بخشش دارد. وجهه دیگر، ناز کردن به درگاه الهی و بیانی است عاشقانه که به تعبیر حضرت استاد، در قالب‌های رایج استدلال یا جدل و امثال آن نمی‌گنجد. این دو شکل از عرض حال را به اختصار مرور می‌کنیم:

الف) ادب در محضر الهی

بر اساس آنچه از مضامین روایی و از جمله خود ادعیه به‌دست می‌آید، دعا کردن به محضر ربوبی آدابی دارد (علامه مصباح یزدی به برخی از این آداب، در کتاب *بر درگاه دوست* اشاره کرده‌اند. ر.ک: ص ۵۷-۶۳). علامه مصباح یزدی، از جمله با بهره‌گیری از فرازی از دعای وداع امام سجاد علیه‌السلام با ماه مبارک رمضان که عرضه می‌دارند: «اللَّهُمَّ فَالْكَ الْحَمْدُ إِقْرَاراً بِالْإِسَاءَةِ»، ستایش به درگاه الهی به سبب توفیقاتی که عطا کرده است، همراه با اعتراف به قصورها و تقصیرها را یکی از آداب دعا و عبودیت به درگاه الهی بیان می‌کنند (مصباح یزدی، ۱۳۹۶، ص ۳۴۹). آهسته دعا کردن، حالت تضرع داشتن، حفظ حالت خوف و رجا (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۵۸-۶۳) و نیز نسبت دادن شقاوت و بدبختی به خود (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۳۵)، از آداب دعا و رعایت ادب به محضر الهی است. اصرار بر دعا نیز یکی از آداب دعا و از راه‌های تقرب به درگاه الهی است که در درون خود حکمت‌ها دارد (در خصوص الحاح و اصرار در دعا، ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۸۰-۲۸۱).

یکی از راه‌های ادب‌ورزی و جلب توجه الهی، آوردن نام محبوب مخاطب و بزرگ‌داشت مقام او در نزد محب است. علامه مصباح یزدی در باب جلب توجه خدا به انسان به هنگام مناجات، شروع مناجات با صلوات بر محمد و آل محمد - صلوات الله علیهم اجمعین - را نشانه‌ای از ادب و راهی برای جلب توجه خدا به‌شمار می‌آورد و می‌فرماید:

شروع مناجات با صلوات این معنا را نیز می‌رساند که حتی درخواست آموزش گناهان نیز لیاقت می‌خواهد و با آوردن نام محبوب پروردگار، به خودمان لیاقت می‌دهیم تا خداوند استغفار ما را بپذیرد. این‌گونه ادب‌ورزی در دعا موجب حضور قلب بیشتری نیز گردیده و ارزش دعای انسان را بالا می‌برد... از آنجاکه نمی‌دانیم چگونه عرض

ادب کنیم، اولیای الهی نحوهٔ آن را به ما آموخته‌اند و ما نیاز نداریم جملاتی با فکر ناقص خود بسازیم. فقط باید کمی در مضامین آن جملات فکر کرده، سپس با رعایت ادب عین همان جملات را به پیشگاه الهی عرضه بداریم (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۲۱-۲۲).

(ب) ناز و دلال

نیایش به درگاه الهی نیایش عبد نیازمند درمانده‌ای است که هیچ بابی جز این باب و هیچ راهی جز این راه ندارد و از همین رو به هر دری می‌زند تا راه برای او به سوی معبودش باز شده، توجه معبود جلب شود. عظمت درگاه الهی ایجاب می‌کند که از راه ادب، عاجزانه و ملتسانه با خدای خود سخن بگوید؛ اما گاه رابطهٔ عبد و معبود اقتضای راه‌های دیگری دارد.

«دلال» و به تعبیر حضرت استاد، «زبان معاشقه»، «زبان محبت» و «ناز کردن» (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۴۰) یکی از این راه‌های صحبت و مناجات با خدای متعال است که گاه در لسان ادعیه آمده است. «دلال» عذرخواهی و بهانه‌جویی در زبانی عاشقانه است. تعابیری همچون «الهی ان اَخَذْتَنی بِجُرْمی اَخَذْتُکَ بِعَفْوِکَ و ان اَخَذْتَنی بِذُنُوبی اَخَذْتُکَ بِمَعْفَرَتِکَ» و «ان اَذْخَلْتَنی النَّارَ اَعْلَمْتُ اَهْلَهَا اَنی اُحِبُّکَ» و «وَلَئِن اَذْخَلْتَنی النَّارَ لَأُخْبِرَنَّ اَهْلَ النَّارِ بِحَبِی لَکَ» از این نوع معاشقه در زبان مناجاتی معصومان علیهم‌السلام است.

حضرت استاد گشودن سخن به زبان دلال را بعد از آن می‌دانند که مناجات‌کننده پس از رعایت اعتراف به تقصیر و از راه ادب و درخواست عذر از خدا، اینک خود را در آغوش رحمت الهی می‌بیند و برای لحظاتی لب به غنچ و دلال می‌گشاید. نکته‌ای که حضرت استاد از لسان ادعیه بهره می‌گیرند، این است که همچون روابط پدر و فرزندی و در مقام عذرخواهی فرزند از پدر، زبان دلال و به تعبیر ایشان «شیرین کاری» و «ناز کردن» نباید خیلی طول بکشد؛ و گرنه موجب تیرگی رابطه می‌شود. ایشان می‌فرمایند: «به همین سبب است که تعابیر برخاسته از ناز و دلال در مناجات‌ها حجم بسیار اندکی نسبت به سایر مناجات‌ها دارند؛ چراکه زیاده‌تر از این مقدار موجب می‌شود که نمکین بودن خود را از دست داده و از حد ادب خارج شوند» (همان، ص ۸۳). از همین رو در ادعیهٔ وارده، پس از اندکی بیان نازگونه، «مناجات‌کننده از آن اوج دلال، آرام‌آرام به قوس نزولی برمی‌گردد و به تواضع روی می‌آورد» (همان، ص ۸۴)؛ و در این آخرین گام و پس از طی مراحل پیشین و نزدیک شدن به خدای محبوب و جلب توجه ربوبی، نوبت به درخواست از او می‌رسد.

مرحلهٔ ۱۰. درخواست

اینک و پس از طی گام‌های پیشین، نوبت درخواست عبد از درگاه معبود لایتناهی می‌رسد. در بحث «ذکر» و پس از تقسیم ذکر به دو نوع صریح و ضمنی، علامه مصباح یزدی ضمن اینکه دعا را از جمله موارد ذکر ضمنی برمی‌شمرد، بر این عقیده‌اند که «هنگامی که انسان مشغول دعاست، تنها درصدد گفتن ذکر خدا نیست؛ بلکه اتفاقاً غرض اصلی‌اش اظهار نیاز به درگاه خداوند و خواستن حاجتی از آن قادر بی‌نیاز است» (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۴۴).

ادعیه مأثوره، ضمن تأکید بر اظهار نیاز و درخواست حاجت از بارگاه الهی، درس‌ها و آموزش‌های فراوانی برای نوع درخواست و بیانی عمیق بر کیفیت آن دارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۶، ص ۳۸۱-۳۹۵). عشق و محبت خالص خدا (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۶۹)، درخواست همه نعمت‌های دنیوی و اخروی، بسنده نکردن به نجات از جهنم و رسیدن به نعم ظاهری بهشت، درخواست مقامات عالی بهشت و همنشینی با انبیا و اولیای خدا، و نهایتاً برابری به مقام قرب الهی، از درخواست‌هایی است که در ادعیه بر لسان مبارک معصومان علیهم‌السلام جاری شده است (همان، ج ۱، ص ۲۸۰-۲۸۱).

علامه مصباح یزدی در موارد متعددی از آثار ارزشمند خود، این نکته را یادآور شده‌اند و از جمله ذیل فرمایش امیرمؤمنان علیه‌السلام که به فرزند خویش فرمودند: «وَلْتَكُنْ مَسْأَلَتَكَ فِيمَا يَعْطِيكَ مِمَّا يَبْقَى لَكَ جَمَالُهُ وَيَنْفَى عَنكَ وَآلَهُ» (نهج البلاغه، نامه ۳۱) چنین توصیفی بر مسئله دارند:

حال که هیچ دعایی بی‌تأثیر نیست و هر دعایی در دنیا و آخرت تأثیر مناسب خود را دارد، لازم است بدانیم که در دعا چه چیزی را از خدای منان درخواست نماییم. واضح است که انسان عاقل با کلیدی که درهای خزاین الهی را باز می‌کند، باید دری را بگشاید که ارزش آن بیشتر است؛ یعنی اگر خواسته باشد با کلید دعا در گنجینه‌ای از خزاین را بگشاید و یک دعای مستجاب داشته باشد، باید با آن کلید در صندوقی را باز نماید که درون آن ذخایر ارزشمندتری وجود دارد...؛ باید در دعای خود چیزی را از خداوند متعال بخواهیم که کمال و ارزش و دوام بیشتری دارد. متاع دنیا، نه وفایی دارد و نه چندان ارزشی و نه بقایی؛ اگر هم برای مدتی باقی بماند، برای همیشه باقی نخواهد ماند و بالاخره روزی از ما جدا خواهد شد. بنابراین بایسته است که در دعا به امور دنیوی توجه نکنیم؛ چون هر چه از امور دنیوی را بخواهیم، تمام‌شدنی است. بهتر است با دعا چیزی را از خداوند سبحان بخواهیم که تمام‌شدنی و فانی نیست و نه از آن جدا می‌شویم و نه از ما جدا می‌شود. باید چیزی را بخواهیم که در آخرت برای ما باقی می‌ماند (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۸۹-۲۹۰).

و بهترین درخواست این است که انسان به اخلاق الهی متخلق شود و... .

۵. تخلق به اخلاق الهی، نتیجه نهایی طی مراحل ده‌گانه

پس از گذراندن مراحل ده‌گانه پیشین است که خودبه‌خود این نتیجه به مراتب مختلف آن در عید متضرع به درگاه الهی حاصل می‌شود. در بعد تربیتی و به‌طور خاص در بعد تربیت ایمانی، کسب اخلاق خدایی و تحقق این فرموده معصوم علیه‌السلام که «تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ»، از آثار ویژه دعا در محضر ربوبی است.

دعاکننده، از طریق دعای خود سعی می‌کند صفات خدایی را در خود ایجاد و تقویت نماید و می‌کوشد همان‌طور که خدا را با صفاتی مانند مهربانی و گذشت متصف می‌سازد، خود نیز با دیگران مهربان و باگذشت باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۴۱).

نمایی از مقوله‌های مطرح‌شده در ادعیه و ارتباط آن با مراحل تربیت ایمانی، با توجه به ابعاد سه‌گانه آن را می‌توان به‌شکل زیر به‌نمایش گذاشت.

	شناخت خدا به‌عنوان هدف اصلی	۱	بعد بینشی
	شناخت ویژگی‌های خدا	۲	
	شناخت ضعف خود	۳	
	غرورزدایی	۴	بعد گرایشی
	اعتراف به گناه	۵	
	توبه	۶	
	اظهار بندگی	۷	
	توسل به درگاه الهی	۸	بعد رفتاری
ادب مناجات و ناز و دلال	جلب توجه خدا ←	۹	
	عرض درخواست	۱۰	
	تخلی به اخلاق‌الله به‌عنوان نتیجه نهایی		

۶. نکته پایانی

روشن است که بر سر راه این مسیر خطیر عبودیت، موانع درونی و بیرونی زیادی هست که هم باید آنها را شناخت و هم باید راهکار مقابله و عبور از آنها را دریافت. علامه مصباح یزدی در بخش‌های مختلفی از شروح ادعیه و مناجات به این مهم نیز توجه داده‌اند که باید در بحث مستقلی به آن پرداخت.

نتیجه‌گیری

براساس مبانی دینی و آموزه‌های اسلامی، پیمودن مسیر رشد و تعالی ایمانی و تقویت ارتباط خود با خدای متعال، از بنیادی‌ترین اموری است که لازم است عبد در جریان زندگی دنیایی خویش بدان توجه داشته باشد و اقدام کند. بی‌توجهی به این نکته، بی‌توجهی به فلسفه خلقت و هدر دادن ظرفیت و فرصتی است که خدای متعال در اختیار بندگان خویش قرار داده است؛ چنان‌که در پی غفلت از این ظرفیت، زمینه‌های انحطاط انسان فراهم می‌شود و جریان زندگی او به‌سوی اسفل‌السافلین رقم می‌خورد.

حرکت در مسیر بندگی و - به بیان این پژوهش - حرکت در مسیر رشد ایمانی مستلزم پیمودن مراحل است که در منابع دینی و بیانات قرآنی و روایی به آن تصریح یا اشاره شده است. ادعیه مأثوره صادره بر لسان اهل‌بیت علیهم‌السلام در زمره این منابع است. از جمله شروعی که در سایه دعا به بیان مباحث تربیتی اختصاص یافته، شروعی است که علامه مصباح یزدی بدان مبادرت ورزیده‌اند. پژوهش حاضر با استفاده از مباحث حضرت استاد به این نتیجه رسیده است که سیر رشد ایمانی و مبادرت به تربیت ایمانی دربردارنده ده مرحله در ابعاد شناختی، گرایشی و رفتاری است که از معرفت به خداوند و شناخت (ضعف) خود آغاز می‌شود؛ در بستر مراحل گرایشی رشد می‌کند و به مراحل رفتاری همچون توسل و درخواست ختم می‌شود.

منابع

- جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، *مصاحبه‌های همایش تربیت دینی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ❖
مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۰، *بر درگاه دوست*، تحقیق و نگارش عباس قاسمیان، چ سوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ❖
_____، ۱۳۸۲، *یاد او*، نگارش کریم سبحانی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ❖
_____، ۱۳۸۴، *پند جاوید*، نگارش علی زینتی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ❖
_____، ۱۳۸۸، *شکوه نجوا: شرحی بر مناجات شعبانیه و مناجات المریدین*، نگارش سیدمحمدرضا کریمی غیائی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ❖
_____، ۱۳۸۹، *اخلاق در قرآن*، تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری، چ سوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ❖
_____، ۱۳۹۰، *سجاده‌های سلوک: شرح مناجات‌های حضرت سجاد* ❖، تدوین و نگارش کریم سبحانی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ❖
_____، ۱۳۹۶، *بدرود بهار*، تحقیق و نگارش عباس گزایی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ❖



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی